بيان الفرقان فى توحيد القرآن

قزوینی مجتبی

تعليقات آيت الله سيدجعفر سيّدان، تحقيق: مدرسه علوم دينى حضرت ولى عصر(عج)؛ قم: ج 1، دليل ما، پاييز 1389، ص 623.

آيت الله شيخ مجتبى قزوينى (1318ق ـ 1386ق) از شاگردان برجستۀ ميرزا مهدى اصفهانى، پايه‏گذار مدرسه معارفى خراسان است. کتاب «بيان الفرقان» از مهم‏ترين منابع اصحاب مکتب تفکيک به شمار مى‏رود. مروجان مکتب تفکيک در زمان ما، اغلب از شاگردان شيخ مجتبى قزوينى هستند. استاد محمدرضا حکيمى نيز که از شاگردان وى است، انتخاب نام «مکتب تفکيک» را الهام گرفته از نام کتاب «بيان الفرقان» استاد خود مى‏داند. وى انگيزۀ خود را از اين نامگذارى، چنين بيان مى‏دارد:

تصور اين بنده اين است که واژه «تفکيک» رسانندۀ همه ابعاد اين منظور هست؛ زيرا هنگامى که قرار باشد سه مکتب شناختى و معارفى معروف (قرآن، فلسفه، عرفان)، از يکديگر جدا شود، بايد هر يک نيز به خوبى شناخته و تبيين گردد. پس بيان معارف قرآنى در «مکتب تفکيک»، جزو عناصر اصلى است، بلکه اصلى‏ترين عنصر است؛ و استاد ما ـ رضوان الله عليه ـ دوره کتابى را که در اين مقصود (از نوع «تأليف عام» اهل اين مکتب) نوشت، «بيان الفرقان» ناميد؛ به معناى تشريح تفاوت و تبيين فرق و فاصله ميان سه مشرب و مکتب معروف؛ و او در «بيان الفرقان» نمى‏خواست کتابى فلسفى و عرفانى (حتى فلسفى و عرفانى انتقادى) بنويسد و مطالب «شفا» و «فتوحات» و «اسفار» را دوباره در کتاب بياورد، بلکه در صدد بود تا به قدر ضرورت به مطالب اشاره کند و سپس مبانى معارف قرآنى را تشريح نمايد؛ و بدينگونه نام «مکتب تفکيک» از تدبّر تداعى‏گر «بيان الفرقان» نيز الهام گرفته است. به هر حال غرض از اين نامگذارى، يکى اين است که تعبيرى روشن و واژه‏اى ساده و کوتاه در دسترس باشد؛ واژه‏اى که نيروى تذکر و تداعى آن نيز قوى باشد تا نياز به تعبيرهاى طولانى نيفتد.[1]

مجموعۀ بيان الفرقان تأليف شيخ‏مجتبى قزوينى (م 1386ق) در پنج جلد به فارسى نگاشته شده است: جلد اوّل، «توحيد در قرآن» است و به بررسى اين موضوعات مى‏پردازد: تبيين روش‏هاى فکرى گوناگون، نقل احاديث در ردّ تصوف، نفى تأويل غير ضرور، تبيين توحيد فطرى، انواع تذکر به آيات، آيات آفاقى و انفسى، انسان‏شناسى، ماهيت نفس از نظر ماديّون و فلاسفه منابع دينى، علم و عقل، خداشناسى در فلسفه و عرفان، علم خداوند، حدوث عالم، جبر و تفويض، قضا و قدر، سعادت و شقاوت، هدايت و ضلالت و دعا.

جلد دوم به «نبوت در قرآن» اختصاص دارد و از اين موضوعات بحث مى‏کند: نبوّت عامه و خاصّه، اقسام خوارق عادات، وظايف انبيا، اعجاز قرآن و وجه اعجاز.

جلد سوم به «معاد در قرآن» مى‏پردازد. موضوعات طرح‏شده در اين جلد، عبارت‏اند از: حدوث عالم و کيفيّت آن، خلقت انسان و عوالم آن، خلقت حضرت آدم، خلقت عالم آخر، عالم برزخ، نقد اصولى فلسفى ملاصدرا در معاد، پاسخ به شبهات مطرح پيرامون معاد.

جلد چهارم در موضوع امامت، با عنوان «ميزان القرآن» است و در آن از اين موضوعات بحث شده است: اثبات امامت، نقد ديدگاه‏هاى اهل سنّت در راه‏هاى تعيين خليفه، اجماع، شورا، بيعت، استخلاف، قهر و غلبه، و خاتمه‏اى در نقد روش عرفا و فلاسفه.

جلد پنجم، دربارۀ رجعت و غيبت است. موضوعات اين جلد در سه بخش غيبت، رجعت و شفاعات سامان يافته است. بخش نخست به اثبات امامت امام عصر؟عج؟ و مسائل مرتبط با غيبت و ظهور حضرت مهدى؟عج؟ اختصاص دارد و بخش دوم و سوم بررسى موضوع رجعت و شفاعت را برعهده دارد.

موضوع اين مجموعۀ پنج جلدى، بر دو محور استوار است: 1. ارائه معارف اسلامى و اصول دين و مذهب شيعه بر مبناى قرآن، حديث و عقل (استدلالى)؛ 2. نقد انديشه عرفانى و فلسفى متأثر از يونان در قلمرو فرهنگ اسلامى، به ويژه نقد و انتقاد شديد از آراى صدرالدين شيرازى. همچنين در بخش امامت، نقد آراى اهل سنّت دربارۀ امامت و به خصوص نقد آراى غزالى در اين زمينه و همچنين دفاع از آرمان‏هاى رهبرى و امامت شيعى مطرح شده است.[2]

چاپ نخست کتاب در مجموعه پنج جلدى، با اين مشخصات منتشر شده است:

1. بيان الفرقان فى توحيد القرآن؛ ج 1، مشهد: شرکت چاپخانه خراسان، 1370ق، وزيرى، 216ص.

2. بيان الفرقان فى نبوّت القرآن؛ ج 2، تهران: دارالکتب الاسلاميه، 1371ق، رقعى، 218 ص.

3. بيان الفرقان فى معاد القرآن؛ ج 3، تهران: مرکز جامعه تعليمات اسلامى، 1373ق، وزيرى، 122ص.

4. بيان القرآن فى ميزان القرآن؛ ج 4، [تهران]: چاپخانه زوّار، [1375ق]، وزيرى، 167ص.

5. بيان الفرقان: غيبت و رجعت؛ ج 5، مشهد: چاپخانه طوس، 1339ش/1380ق، وزيرى، 320ص.

چاپ ديگرى از اين اثر پنج جلدی در يک مجلد، بدون تحقيق و حروف‏نگارى جديد دو سال قبل با اين مشخصات منتشر شده است: بيان الفرقان؛ با مقدمه‏اى از استاد محمدرضا حکيمى، به اهتمام نقى افشارى؛ چ 1، قزوين: حديث امروز، 387، وزيرى، 1044 ص.

چاپ جديد کتاب با تحقيق مدرسه علوم دينى حضرت ولى عصر؟عج؟ در مشهد و تعليقات آيت‏الله سيّدجعفر سيّدان منتشر شده است. در اين چاپ، آیت‏الله سیدان مطالبى که مؤلف به اشاره از آن گذشته است و نيازمند واشکافى بيشتر بوده، در پاورقى تشريح کرده است.

همچنين در تحقيق کتاب، اين کارها انجام شده است : 1. آيات و روايات مستند شده است؛ 2. آيات و رواياتى که در متن ترجمه نشده است، داخل «[]» ترجمه شده است؛ 3. هرکجا عبارت از نظر لفظ و معنى مشکل و نارسا به نظر مى‏رسيده، با استفاده از علامت «[]» اين نارسايى برطرف شده و در موارد ضرورى در پى‏نوشت يادآورى گشته است؛ 4. از آنجا که متن بيان الفرقان با زبان فارسى روان نگارش نيافته است و گاه فهم آن براى خواننده دشوار مى‏نمود، ويرايش متن با حفظ اصل آن با استفاده از علايم ويرايشى و پاراگراف‏بندى انجام شده است و مشکلاتِ فراوانى که ممکن بوده خواننده را دچار اشتباه در فهم و برداشت سازد، برطرف گشته و بر گويايى متن افزوده است.

شيخ مجتبى قزوينى در مقدمۀ جلد نخست بيان الفرقان، عناوين برخى از اختلافات اساسى فلسفه و عرفان با مکتب وحى را چنين برمى‏شمارد:

1. شناختن خداوند متعال و اثبات وجود او امرى است نظرى و محتاج به اقامه برهان؛ و برهان متوقف است بر تحقيق و بحث در علت و معلول و ابطال تسلسل؛

2. توحيد واجب الوجود متوقف است بر اثبات اصالة الوجود و تشکيک در حقيقت وجود يا اقامۀ برهان تعيّن يا اثبات وحدت اطلاق؛

3. قول به ثبوت قديم با ذات خداوند نه در مرتبۀ ذات مانند مثل افلاطونيه يا قول به صورت زایده بر ذات و قائمه به ذات و انحصار علم خداوند به کليات يا قول به اينکه علم خداوند عبارت است از نفس حضور موجودات نزد او بدون علم سابق بر اشيا يا قول به اينکه «بسيط الحقيقة کل الاشياء» يا علم اجمالى در عين کشف تفصيلى و امثال اينها که عرفا قائل شده‏اند؛ 4. توحيد در افعال، يعنى اسناد تمام افعال به خداوند به سلسله علت و معلول، بدون امکان تخلّف حتى افعال بشريه بالتبع و استناد شرور به خداوند يا انکار شرور در عالم؛

5. اثبات لذایذ و آلام روحى که سبب آنها اخلاق حسنه و رذيله است و سبب آنها امور تکوينيه و اسبابى که منجر شوند به اسباب غير اختياريه که منتهى است به علم خداوند به ذات و نظام عالم؛

6. اثبات قدم اصول عالم حتى عناصر؛

7. انحصار حوادث به حوادث يوميه ازلاً و ابداً که مستند مى‏باشند به اسباب تکوينى؛

8. اثبات عدم امکان تغيير و تغيّر در عالم و انکار بداء؛

9. انکار نسبت حسن و قبح در عالم به اراده و اختيار بشر؛

10. انکار معاد جسمانى؛

11. انکار نبوت به معنايى که در اديان وارد شده است و انکار ملائکه و جبرئيل به معنايى که از مجارى وحى رسيده است؛

12. محدودشمردن علم و قدرت خداوند به امور و موجودات کائنه؛

13. اثبات سنخيّت بين واجب و ممکن؛

14. انکار خلود در عذاب.

بر ارباب فضل آشکار است که طريق انبيا و آثار آن، مخالف و مباين نتيجه‏هاى فوق است. از آنچه گذشت اجمالاً آشکار شد که ورود در طريق دوم و سوم [فلسفه و عرفان] مأمون از خطا نبوده، خطاى آن مسلم است و بايد طريقى را طى نمود که مأمون از خطا باشد و آن، طريق انبيا عهم؟ است؛ چون سعادت بشر در پيروى از عاقل‏ترین مردم است و پيمبران عاقل‏ترین تمام مردم‏اند.[3]

[1] . محمدرضا حکیمی؛ مكتب تفكيک؛ قم: دلیل ما، ص 160 ـ 161.

[2] . برخى به‏اشتباه اين اثر را «تفسير فارسى بيان الفرقان» معرفى كرده‏اند. برای مثال، ر. ك به: بهاءالدين خرّمشاهى؛ قرآن شناخت: مباحثى در فرهنگ‏آفرينى قرآن؛ چ 1، تهران: طرح نو، 1374، ص 160. عبدالحسین شهيدى صالحى؛ بيان الفرقان، دايرة المعارف تشيّع؛ زير نظر احمد صدر حاج سيد جوادى، كامران فانى، بهاءالدين خرّمشاهى و حسن يوسفى اشكورى؛ ج 4، چ 3، تهران: نشر شهيد محبّى، 1381، ص 572. عبدالحسین شهيدى صالحى؛ «[تفسير] بيان القرآن»، دانشنامه قرآن‏پژوهى؛ به كوشش بهاءالدين خرّمشاهى، ج 1، چ 1، تهران: دوستان ـ ناهيد، 1377، ص 670 ـ 678. همچنين اين اثر جزو منابع معرفى‏شده در «كتابنامه تفسير و تفاسير جديد» در چهار جلد شناسانده شده است. ن. ك به: بهاءالدین خرّمشاهى؛ تفسير و تفاسير جديد؛ چ 1، تهران: كيهان، 1364، ص 205.

روشن است كه اين اثر تفسير نيست، بلكه همانند كتب اعتقادى و كلام عقلى و نقلى، در ارائه عقايد، از قرآن به عنوان يكى از منابع اصلى استفاده شده است؛ همانگونه كه در كتاب نهج المسترشدين علامه حلّى، در همه موارد لازم از آيات قرآن بهره مى‏جويد؛ در حالى كه نهج المسترشدين كتاب تفسيرى به شمار نمى‏آيد؛ بنابراين نامگذارى «بيان الفرقان فى توحيد قرآن»، «نبوت القرآن»، «معاد القرآن» و «ميزان القرآن»، به معناى تفسيربودن اين اثر نيست، بلكه تأكيد بر اهميت و نقش محورى قرآن در عرصه عقايد در زمينه توحيد، نبوّت، معاد، رجعت و غيبت از نگاه مؤلف است. حتى اين مجموعه را «تفسير موضوعى» نيز نمى‏توان نام نهاد (ر.ك به: هادی ربّانى؛ «شناخت قرآن شناخت» و كاستى‏هاى آن»، صحيفه مبين، شماره 5، بهار 1375، ص 51).

[3] . بيان الفرقان فى توحيد القرآن؛ چ 1، ج 1، قم: دليل ما، 1389، ص 49 ـ 60 (نقل با تصرف).